

## Research Paper

## Identifying and ranking the factors affecting the financial participation of the private sector and its role in sustainable urban development (Case study: Yasuj Municipality)

Hassan Soltani<sup>1</sup>

1. Associate Professor of Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

Received: 2020/09/18

Accepted: 2020/12/12

PP: 167-180

Use your device to scan and read the article online



### Keywords:

Financial participation, private sector, sustainable urban development, Yasuj Municipality

### Abstract

Financing of urban development projects in developing countries is mostly the responsibility of public sector institutions and the private sector for various reasons has not been very willing to provide such services, but changing the costs and economic benefits of urban development projects and increasing demand for some urban services, The economic benefits of some of these investments have increased so much that they encourage the private sector to join such projects alongside the public sector. The main purpose of this study is to identify and rank the factors affecting the financial participation of the private sector and its role in sustainable urban development. This research is applied based on the purpose and descriptive and survey type according to the data collection method. The statistical population of this study was 140 experts and specialists of contracting companies in the field of investment of public and non-governmental organizations in Yasuj. The sample size was determined using Cochran's formula equal to 109 people and the available non-random sampling method was selected. Data collection tool was a standard questionnaire of Azizi et al. (2016) with a five-point Likert scale. The validity of the questionnaire was confirmed by experts in terms of content and its reliability was confirmed by using Cronbach's alpha for all variables. Friedman test was used to rank the factors affecting financial participation and a one-sample t-test was used to test the research hypotheses. Findings showed that the effect of influential components on private sector participation in project development is not the same and in this regard, the relationship between the significance of the goal in the first place and organization, attitude, foresight, Policy, economic and socio-cultural policy and motivation (incentives) are in the next ranks of components affecting the participation of the private sector in the development of Yasuj city projects, respectively.

**Citation:** Hassan Soltani. (2021): Identifying and ranking the factors affecting the financial participation of the private sector and its role in sustainable urban development (Case study: Yasuj Municipality) *Journal Research and Urban Planning*, Vol 12, No 45, PP 166-180.  
**DOI:** 10.30495/JUPM.2021.4419

**Corresponding author:** Hassan Soltani

**Address:** Associate Professor of Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

**Tell:** 09174067383

**Email:** soltani.hassan74@gmail.com

## Extended Abstract

### Introduction:

Financing of urban development projects in developing countries is mostly the responsibility of public sector institutions and the private sector for various reasons has not been very willing to provide such services, but changing the costs and economic benefits of urban development projects and increasing demand for some urban services. The economic benefits of some of the investments in these projects have increased to such an extent that they encourage the private sector to enter into such projects alongside the public sector. The main purpose of this study is to identify and rank the factors affecting the financial participation of the private sector and its role in sustainable urban development.

### Methodology:

The main purpose of this study is to identify and rank the factors affecting the financial participation of the private sector and its role in sustainable urban development. This research is applied based on the purpose and descriptive and survey type according to the data collection method. The statistical population of this study was 140 experts and specialists of contracting companies in the field of investment of public and non-governmental organizations in Yasuj.

The sample size was determined using Cochran's formula equal to 109 people and the available non-random sampling method was selected. Data collection tool was a standard questionnaire of Azizi et al. (2016) with a five-point Likert scale. The validity of the questionnaire was confirmed by experts in terms of content and its reliability was confirmed by using Cronbach's alpha for all variables.

### Results:

Friedman test was used to rank the factors affecting financial participation and a one-sample t-test was used to test the research hypotheses.

### Conclusion:

Findings showed that the effect of influential components on private sector participation in project development is not the same - and in this regard, the relationship between the significance of the goal in the first place and organization, attitude, foresight, Policy, economic and socio-cultural and motivation (incentives) are in the next ranks of the components affecting the participation of the private sector in the development of Yasuj city projects, respectively.

## شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر مشارکت مالی بخش خصوصی و نقش آن در توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهرداری یاسوج)

حسن سلطانی<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه مدیریت، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

### چکیده

تأمین مالی طرح‌های توسعه شهری در کشورهای در حال توسعه، بیشتر بر عهده نهادهای بخش عمومی بوده و بخش خصوصی به دلایل مختلف رغبت چندانی برای ارائه این‌گونه خدمات نداشته است، اما تغییر هزینه‌ها و منافع اقتصادی طرح‌های توسعه شهری و افزایش تقاضا برای برخی خدمات شهری، منافع اقتصادی بعضی سرمایه‌گذاری‌ها در این طرح‌ها را چنان افزایش داده که بخش خصوصی را ترغیب می‌کند تا در کنار بخش عمومی وارد این قبیل پروژه‌ها شوند. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت مالی بخش خصوصی و نقش آن در توسعه پایدار شهری است. این پژوهش براساس هدف، کاربردی و با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش ۱۴۰ نفر از کارشناسان و متخصصان شرکت‌های پیمانکاری در امر سرمایه‌گذاری سازمان‌های عمومی و غیردولتی شهر یاسوج بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر ۱۰۹ نفر تعیین و روش نمونه‌گیری غیر تصادفی در دسترس انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد عزیزی و همکاران (۱۳۹۵) با مقیاس پنج‌گزینه‌ای طیف لیکرت بوده است. روایی پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصان به صورت محتوایی و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ برای تمام متغیرها مورد تایید قرار گرفت. برای رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت مالی از آزمون فریدمن و برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که تأثیر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مشارکت بخش خصوصی در توسعه پروژه‌ها به یک اندازه نمی‌باشد و در این زمینه ارتباط معنی‌دار بودن هدف در رتبه اول و سازماندهی، نگرش، پیش‌نگری، خطمشی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی و ایجاد انگیزه (مشوق‌ها) به ترتیب در رتبه‌های بعدی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مشارکت بخش خصوصی در توسعه پروژه‌های شهر یاسوج قرار دارند.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۱

شماره صفحات: ۱۶۷-۱۸۰



### واژه‌های کلیدی:

مشارکت مالی، بخش خصوصی، توسعه پایدار شهری، شهرداری یاسوج

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

استناد: حسن سلطانی (۱۴۰۰): شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر مشارکت مالی بخش خصوصی و نقش آن در توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهرداری یاسوج). فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۱۶۷-۱۸۰.

DOI: 10.30495/JUPM.2021.4419

\* نویسنده مسئول: حسن سلطانی

نشانی: استادیار گروه مدیریت، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

تلفن: ۰۹۱۷۴۰۶۷۳۸۳

پست الکترونیکی: soltani.hassan74@gmail.com

**مقدمه :**

چنین مشارکتی به تضمین‌هایی از سوی بخش دولتی نیاز دارد و از آن مهم‌تر نحوه جذب بخش خصوصی و ایجاد انگیزه در آن است (Gorbani Azimi, 2015: 107). از این رو در میان بخش‌های مختلف مدیریت شهری، تأمین منابع مالی و درآمدی شهرداری‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا از یک سو کسب درآمد شهرداری‌ها تأثیر عمده‌ای در ارائه خدمات به شهروندان دارد و از سوی دیگر فقدان درآمد کافی نه تنها سبب عدم ایجاد خدمات ضروری در شهر می‌شود، بلکه اساساً اجرای تمامی طرح‌ها و برنامه‌های شهری را با مشکل مواجه خواهد ساخت (Donevska, 2015: 1-8). به دنبال کاهش وابستگی درآمدی شهرداری‌ها به دولت و با توجه به تشدید مسائل و مشکلات شهرها و در نتیجه رشد جمعیت و مهاجرت‌ها، حجم زیاد تقاضا برای خدمات شهری و اتکاء شهرداری‌ها به درآمدهای ناپایدار، شرایط کار را برای مجریان امور شهرداری‌ها دشوار کرده است. بنابراین عدم برخورداری از منابع درآمدی پایدار، برنامه‌ریزی مالی و بودجه‌ای شهرداری‌ها را مختل و با این روند منابع درآمدی فعلی، جوابگوی هزینه‌های رو به افزایش شهرداری‌ها را در سال‌های آتی نخواهد کرد. بنابراین شهرداری‌ها به لحاظ ارائه خدمات به شهروندان، نیازمند درآمدی پایدار می‌باشند (Sadeghi et al, 2015: 8-19). شهرداری‌ها به عنوان نهاد عمومی متولی پروژه‌های شهری، هزینه‌هایی دارند که تأمین مالی آن‌ها به‌طور معمول مستقل از دولت انجام می‌شود. تأمین مالی پروژه‌های گوناگون شهری نیازمند وجود بازارهایی برای ارائه وجوه مالی مورد نیاز شهرداری‌ها است (Yigitcanlar & Teriman, 2019: 341). بازارهای مالی توسعه یافته، یکی از سازمان‌هایی هستند که می‌توانند این وجوه را در اختیار شهرداری‌ها قرار دهند (Zare & Shabandost, 2015: 9-12). اما شهرداری باید با عمق بخشیدن به این بازارها، زمینه حضور بخش خصوصی در آن‌ها را فراهم نمایند. استقرار مستقیم از مردم و بخش خصوصی و ایجاد انگیزه در آنان برای فعالیت هرچه بیشتر و سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی که شهرداری نقش فعالی در آن‌ها دارد، یکی از روش‌های رایج مورد استفاده در سطح جهان است. فروش مستقیم اوراق قرضه پروژه‌های شهری با تولی شهرداری‌ها، یکی از راه کارهای رایج عمق بخشیدن به بازارهای مالی پروژه‌های شهری

موضوع توسعه شهری در دهه‌های اخیر در کشورهای پیشرفته ابعاد جدیدی یافته و از جنبه کمی به کیفی تغییر جهت داده است، بدین معنا که در بیشتر کشورها توجه طراحان و برنامه ریزان در حوزه توسعه شهری از رشد کمی در پیرامون شهر به ارتقای کیفیت فضاهای موجود تغییر یافته و بازگشت ساکنین به مراکز شهری بیش از هر زمان دیگر مطرح شده است؛ یکی از مهم‌ترین عوامل در نظام‌های هدایت توسعه شهری چند دهه اخیر، نحوه استفاده از منابع ماده و انرژی و بالتبع پایداری آن‌ها می‌باشد (Namvar haghghi et al, 2019). ایجاد زیرساخت‌ها و زیربناها و اجرای طرح‌های توسعه شهری با نگرش واقع بینانه به مسائل و مشکلات نارسایی‌های کنونی شهرها، مستلزم انجام سرمایه‌گذاری‌های کلانی است که در قالب عوارض و عواید شهرداری‌ها و در چارچوب قوانین حاکم بر سازمان‌های محلی بایستی تأمین گردد (Maher et al, 2016: 592). انجام اقدامات اساسی در رابطه با اصلاح بافت فیزیکی اکثر شهرها به ویژه بافت قدیمی آن‌ها، برطرف نمودن نارسایی‌های معابر، مشکلات ترافیکی، کمبود تأسیسات و تجهیزات شهری، اصلاح سیستم‌های حمل و نقل درون شهری، توسعه فضای سبز، مقابله اساسی با آلودگی هوا و اجرای طرح‌های زیربنایی در زمینه ایمن سازی شهرها در مقابل بلایای طبیعی، همگی مستلزم تأمین منابع درآمدی کافی، مطمئن و پایدار است. این امر عملاً در چارچوب انواع تعرفه‌های عوارض و درآمدهای فعلی امکان‌پذیر نیست. در طرف مقابل شرایط اقتصادی و درآمدی خانوارهای شهری، حداقل در برخی از مناطق و محلات امکان افزایش این گونه عوارض و عواید را محدود می‌سازد (Rabinovitch, 2019: 62). تأمین مالی طرح‌های توسعه شهری در کشورهای در حال توسعه، بیشتر بر عهده نهادهای بخش عمومی بوده است و بخش خصوصی به دلایل مختلف رغبت چندانی برای ارائه این‌گونه خدمات نداشته است. اما تغییر هزینه‌ها و منافع اقتصادی طرح‌های توسعه شهری و افزایش تقاضا برای برخی خدمات شهری، منافع اقتصادی بعضی سرمایه‌گذاری‌های در این طرح‌ها را چنان افزایش داده که بخش خصوصی را ترغیب می‌کند تا در کنار بخش عمومی وارد این قبیل پروژه‌ها شوند (Tsilas & Brashares, 2018: 352). اما بخش خصوصی برای انجام

پژوهش هفت عامل نگرشی، هدف، پیش‌نگری، خط مشی، سازمان‌دهی، انگیزه و عامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی بعنوان عوامل تاثیرگذار بر مشارکت مالی بخش خصوصی در نظر گرفته شده اند و در نظر گرفتن این عوامل وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های قبلی می‌باشد. هدف اصلی این پژوهش شناسایی و رتبه‌بندی عوامل تاثیرگذار بر مشارکت مالی بخش خصوصی و نقش آن در توسعه پایدار شهری است و این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که عوامل تاثیرگذار بر مشارکت مالی بخش خصوصی کدامند؟ و نقش آن در توسعه پایدار شهری چیست؟

### مبانی نظری و پیشینه تحقیق:

بروز نارسائی‌های ناشی از رشد بی رویه شهری در قرن ۲۰ و ۲۱، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، سبب گردیده کلیه جوامع در انطباق با پارادایم توسعه پایدار برای رسیدن به الگوهای پایداری در شهر کوشش کنند؛ و در این راستا نظریاتی همچون توسعه درونی شهرها، کاهش مصرف زمین، کاهش مصرف انرژی، کاهش آلودگی‌های زیست محیطی، حداکثر دسترسی شهروندان به خدمات شهری، الگوی شهر فشرده و... مطرح گشته اند. تحقیقات انجام شده در سطح جهانی نشان می‌دهد که رویکرد شهر فشرده با تاکید بر مواردی همچون کاربری ترکیبی و کارایی زمین، تکیه کمتر بر اتومبیل، اقتصاد پایدار، مشارکت مردمی و کارایی در استفاده از مسکن و محیط تأکید می‌ورزد و از این طریق به اهداف توسعه پایدار نزدیک‌تر می‌شود. در این راستا شناخت الگوهای متفاوت بافت‌های شهری با بررسی شاخص‌هایی از جمله اندازه مصرف زمین، سرانه زمین شهری، توزیع نامناسب کاربری‌ها در شهر و پیوستگی و اتصال و استمرار بافت در شهر قابل بررسی است (Asadi et al, 2020). امروزه آگاهی از نقاط قوت و ضعف مناطق شهری برای دست یابی به توسعه پایدار نوعی ضرورت جهت ارائه طرح‌ها و برنامه‌های شهری محسوب می‌شود بطوریکه توسعه پایدار دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و نهادی-کالبدی است که در هر بعد شاخص‌هایی به صورت منتخب با توجه به ادبیات توسعه پایدار و شاخص‌های ارائه شده توسط کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل متحد، در نظر گرفته شده است. اصولاً شهر پایدار جایی است که به دلیل استفاده اقتصادی از منابع، اجتناب از تولید بیش از حد ضایعات و بازیافت آن تا حد امکان و پذیرش

است. در این فرایند، دیگر، شهرداری‌ها با واسطه‌های مالی طرف حساب نیستند و همین امر دسترسی آنان به وجوه مالی را آسان‌تر می‌سازد (Sharif zadeh et al, 2014: 20-23). با توجه به شرایط حاکم بر شهرها و اهمیت ایجاد زیرساخت‌های مختلف از یک سوء، محدودیت بسیار زیاد منابع در اختیار مدیریت و دولت-های محلی از دیگر سوء، ضرورت توجه به ابتکارات نوین مالی و تلاش برای دستیابی به شیوه‌های جدید به منظور تأمین مالی پروژه‌ها و طرح‌های توسعه شهری، کاملاً ملموس و محسوس به نظر می‌رسد (Razin, 2016: 83-90). به کارگیری سرمایه‌های بخش خصوصی در قالب‌های مختلف از جمله مشارکت بخش خصوصی و عمومی روشی است که با آشکال متفاوت از اوایل دهه ۹۰ میلادی در سراسر جهان بالاخص کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد استفاده قرار گرفته و رو به تزاید است (Hadi Zenoz, 2009:4-9). البته ایجاد زمینه‌ها و بسترسازی اجتماعی و نیز ایجاد ظرفیت‌های لازم به منظور مدیریت و رهبری پروژه در دولت محلی از یک طرف و انتخاب درست نوع مشارکت عمومی با توجه به چهارچوب‌های قانونی و ظرفیت‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی و پیش‌بینی و تحلیل دقیق و درست موضوعاتی نظیر ریسک، تأمین مالی و برگشت سرمایه و غیره در قرارداد و توافق بین بخش خصوصی و عمومی از طرف دیگر، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و نقش قابل توجهی در موفقیت مشارکت بخش خصوصی و عمومی ایفا می‌کند (Bour, 2011: 80-86). با توجه به مراتب فوق و بررسی‌های بعمل آمده از شهرداری یاسوج، مسأله مهم و قابل بررسی این است که شهرداری یاسوج همانند دیگر شهرها، در جستجوی توسعه پایدار شهری می‌باشد و یکی از عوامل مؤثر در تحقق توسعه پایدار شهری، تأمین مالی از طریق مشارکت بخش خصوصی است که این خود از چالش‌های مهم شهرداری می‌باشد. در این مطالعه ضمن بررسی راهکارهای مطلوب تأمین مالی تأثیر آن بر تحقق توسعه پایدار شهری مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

از طرفی دیگر در پژوهش‌های انجام شده بیشتر به بررسی سه عامل، تأخیر زیاد در روند مذاکرات، نبود تجربه و مهارت کافی و تأخیرات زیاد به دلیل مناقشات و مباحث سیاسی به ترتیب به عنوان موانع اصلی توسعه مشارکت مطرح شده، ولی در این



دیدگاه منابع مالی را به سه دسته؛ کوتاه مدت، میان مدت و منابع بلندمدت تقسیم می‌کنند. منابع کوتاه مدت مانند وجوه دریافتی از بانک‌های تجاری، بیمه‌ها و مؤسسات اعتباری و...، که مدت بازپرداخت آن‌ها کمتر از یک سال می‌باشد. منابع میان مدت نیز معمولاً از همان مؤسسات دریافت می‌شود، با این تفاوت که سررسید آن‌ها دارای مدت زمانی طولانی‌تر (عموماً بین یک تا پنج سال)، خواهد بود. منابع مالی بلندمدت به صورت دریافت وجه از محل انتشار سهام و انتشار اوراق قرضه بلندمدت و نیز اجاره-های بلندمدتی بوده که مدت زمان بازپرداخت آن‌ها طولانی‌تر است (Sepahvand & Arefnezhad, 2013: 43-59). در ایران، رایج‌ترین روش تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی شهری از طریق بودجه های دولتی، کمک‌های دولتی، اخذ عوارض و مالیات از طریق شهرداری‌ها انجام می‌شود و موارد معدودی در ارتباط با استفاده از روش‌های نوین تأمین مالی پروژه‌های عمرانی به چشم می‌خورد. در دو دهه اخیر از روش‌های مهم تأمین مالی شهری که در آن مردم و بخش خصوصی شرکت داشته‌اند، استفاده از منابع حاصله از فروش اوراق مشارکت، می‌باشد (البته لازم به ذکر است که تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی در ایران از طریق فروش اوراق مشارکت تنها در پروژه‌های شهرداری خلاصه نمی‌شود، بلکه بسیاری از پروژه‌های زیرساختی در وزارت نیرو و مسکن و شهرسازی و دستگاه‌های دولتی هم از این روش به تأمین مالی مورد نیاز خود اقدام کرده‌اند (Razin, 2016: 83-90). (Zare & Shabandost, 2015) که به بررسی توسعه‌ی پروژه-های عمرانی با استفاده از روش مشارکت بخش خصوصی و عمومی پرداخته است، نشان داد که ضعف توان در سازمان‌ها و نهادهای دولتی و همچنین در سطح سیاسی فقدان توانایی در ایجاد و پیاده‌سازی مشارکت به شیوه‌ای تاریخی یک محدودیت است. (Razin, 2016) در پژوهشی با عنوان مشارکت عمومی - خصوصی در نظام نوین تأمین مالی درواگذاری پروژه‌های زیر ساختی به بخش خصوصی به این نتیجه رسیدند که بخش خصوصی قادر خواهد بود از طریق قرارداد مشارکت عمومی - خصوصی به ارائه خدمات وسیعی به پردازد. (Modarreszadeh & Nasirimajd, 2014) در مطالعه‌ای به بررسی چگونگی تأمین مالی به منظور توسعه پایدار شهری پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که درآمدهای حاصله توسط شهرداری‌های کشور، با مفاهیم

سیاست‌های مفید و همگام با طبیعت در درازمدت، قادر به ادامه حیات خود باشد. شهر پایدار شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، مدیریتی و زیست محیطی می‌باشد، به همین خاطر شهروندان می‌توانند درآمدی عادلانه بدست آورند، سرپناهی مناسب اختیار کنند، احساس آرامش و امنیت داشته باشند و تلاش و وقت خود را وقف حفاظت از پایداری شهر نمایند. ساخت یک اقتصاد قوی برای شهر در هماهنگی با محیط زیست و طبیعت، باید با هدف حفظ روش‌های اجتماعی و سنن تاریخی و تلفیق آن با اشکال نوین مدیریت شهری و فناوری نوین، همگام شود تا همبستگی و انسجام ابعاد پایداری محفوظ بماند (Namvar, 2019). (haghighi et al, 2019) به دنبال کاهش وابستگی درآمدی شهرداری‌ها به دولت و با توجه به تشدید مسائل و مشکلات شهرها در نتیجه رشد جمعیت و مهاجرت‌ها، حجم زیاد تقاضا برای خدمات شهری و اتکا شهرداری‌ها به درآمدهای ناپایدار شرایط کار را برای مجریان امور شهرداری‌ها دشوار کرده است. بنابراین عدم برخورداری از منابع درآمدی پایدار، برنامه ریزی مالی و بودجه‌ای شهرداری‌ها را مختل و با این روند منابع درآمدی فعلی جوابگوی هزینه‌های رو به افزایش شهرداری‌ها را در سال‌های آتی نخواهد کرد. بنابراین شهرداری‌ها به لحاظ ارائه خدمات به شهروندان، نیازمند درآمدی جدید و پایدار و توسعه مشارکت بخش خصوصی می‌باشند (Donevska, 2015). مشارکت مالی فرآیندی است که مراحل مختلفی دارد و طی همه این مراحل می‌تواند حقوق شهروندی را میسر سازد. (Dempsey et al, 2018: 89-141). یک فرآیند مشارکت مردمی می‌تواند کمک مؤثری برای رفع موانع سیاست‌گذاری و اجرای طرح‌ها باشد. در واقع مشارکت مالی روشی است که از حقوق تمامی آحاد جامعه در طرح‌ها و برنامه‌ها حمایت کرده و آن‌ها را در امور خودشان دخیل می‌کند. راهی ارزشمند و مؤثر برای کاهش اختلافات و نارضایتی‌هاست و احتمال بروز دعوی حقوقی بسیار کاهش می‌یابد (Zare & Shabandost, 2015: 26-33). واحدهای تجاری برای انجام فعالیت‌های عملیاتی و سرمایه-گذاری‌های خود نیاز به منابع مالی داشته که تأمین این منابع مالی می‌تواند از منابع مختلفی صورت گیرد. هر منبع مالی دارای تأثیرات خاص خود بر بازده و مخاطرات صاحبان واحد انتفاعی است (Pourjafar et al, 2011: 45-52). صاحب‌نظران از یک

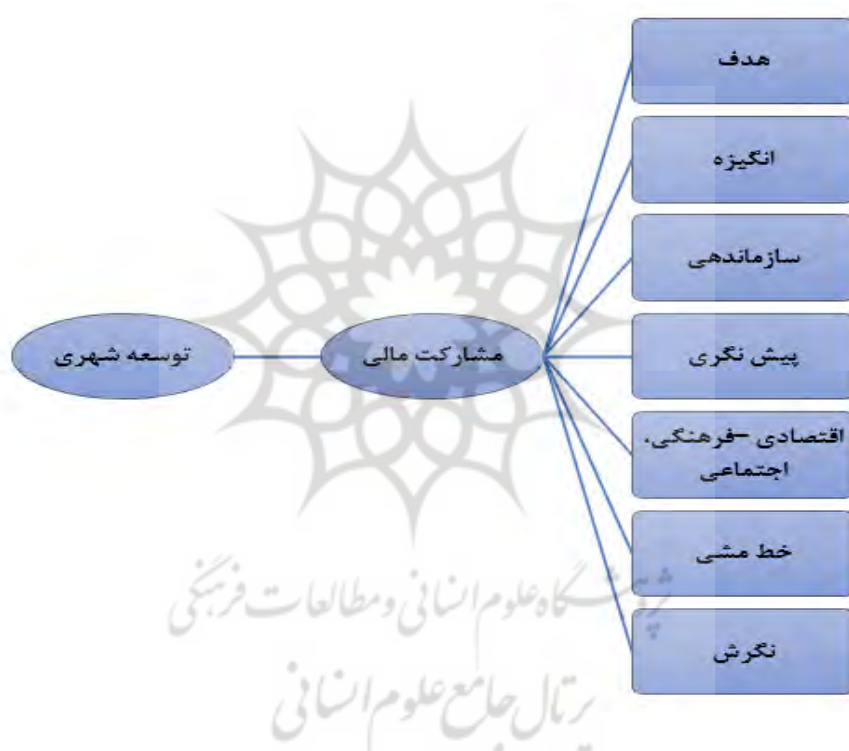
پایداری و مطلوب بودن همخوان نیستند و عمدتاً از منابع ناپایدار کسب می‌شود. (Moezi Moghadam, 2004) در مطالعه‌ای با عنوان موانع گسترش مشارکت بخش خصوصی در تامین مالی پروژه‌های آموزش و پرورش ایران به این نتیجه رسیدند که نگرش منفی وعدم اعتماد دولت به بخش خصوصی، عدم انگیزه بخش خصوصی و عدم پیش‌نگری امکانات و اقدامات تسهیل کننده حضور بخش خصوصی از مهم‌ترین موانع گسترش مشارکت بوده است.

(Rahimi, 2006) در پژوهشی تحت عنوان «تدوین برنامه ی توسعه پایدار شهری در شهر شوش با بررسی شناسایی ابعاد مختلف توسعه پایدار، جهت رسیدن به توسعه پایدار شهری در شوش»، با استفاده صحیح و عقلانی از رابطه بین تناسب زیست محیطی، رونق اقتصادی و برابری اجتماعی به عنوان عناصر اصلی راهبرد توسعه پایدار می‌باشد. پژوهش از نوع کاربردی و عملی با استفاده از فرایند برنامه ریزی و معیارهای توسعه پایدار است. نتیجه گیری نشان می‌دهد الزامات توسعه پایدار شهر شوش شامل توجه عمیق به فضاهای عمومی شهر، استفاده از تکنولوژی جدید در ساخت و ساز شهری، جلوگیری از ساخت و ساز در مکان‌های ویژه شهر مثل حریم آثار باستانی، تشکیل نهادهای مردمی و تقویت سازمانهای غیر دولتی (NGO) نقش اساسی رودخانه شاوور به عنوان برجسته ترین عنصر محیط زیست طبیعی مؤثر بر منظر سازی شهر و نقش محوری آثار باستانی و میراث فرهنگی در توسعه پایدار شهری شوش می‌باشد. (Sadeghi et al, 2015) در مقاله ای با موضوع «عوامل مؤثر بر مشارکت بخش خصوصی به عنوان رهیافتی در تأمین منابع پایدار مالی پروژه های شهرداری»، به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت بخش خصوصی، در تأمین منابع پایدار مالی پروژه های شهرداری پرداخته اند. از آنجا که جذب سرمایه های بخش خصوصی و سرمایه های خارجی برای اجرای پروژه های شهرداری ها، از روش های معتبر تأمین منابع مالی در حوزه مدیریت شهری، محسوب می‌شود. این پژوهشگران با استفاده از روش پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و یافته های میدانی و بهره گرفتن از روش نمونه گیری تصادفی و برای تعیین حجم نمونه مورد نیاز، از فرمول کوکران و جدول مورگان به این نتیجه دست یافته اند که عواملی؛ مانند بهبود فضای کسب و کار و قوانین

کارای تضمین کننده سود کارگزار خصوصی، باعث افزایش مشارکت بخش خصوصی، در اجرای پروژه های شهری می‌شوند و متقابلاً، وجود بوروکراسی و نبود ظرفیت سازی های مناسب، روند کار را به تعویق می‌اندازد. (Yigitcanlar & Teriman, 2015) در پژوهش خود با عنوان " کلید توسعه پایدار شهری در شهرهای انگلستان و تاثیر تراکم بر پایداری اجتماعی " از روش پیمایشی با رویکرد مورد پژوهی و تاریخی به بررسی و تحلیل موضوع پرداختند. این مقاله با حساب مقدماتی تراکم در انگلستان شروع می‌شود. سپس چگالی و جنبه های پایداری اجتماعی تحت بررسی و در مورد روابط بین عوامل مستقل و وابسته و همچنین پیامدهای که چنین روابطی برای سیاست و عمل دارد را تعریف می‌کند. نتایج نشان داد رویکرد شهرنشینیان و میزان تراکم می‌تواند بر توسعه پایداری اجتماعی مؤثر باشد. (Maher et al, 2016) در مقاله خود با عنوان «بازاندیشی توسعه پایدار شهری: به سوی یک فرایند برنامه ریزی و توسعه یکپارچه» به مطالعه مروری پرداخته اند. در این تحقیق با بررسی ادبیات در برنامه ریزی و توسعه روش-یعنی برنامه ریزی شهری، برنامه ریزی زیست محیطی، توسعه شهری، برنامه ریزی شهری یکپارچه و روند توسعه- و پیشنهاد یک فرآیند جدید برای حمایت از تلاش برای دستیابی به برنامه ریزی شهری یکپارچه و روند توسعه انجام شد. یافته های این پژوهش نشان می‌دهد اتخاذ برنامه ریزی جامع و روند توسعه؛ نیازمند زیرساخت ها، بسترهای لازم و پتانسیل مورد نیاز برای حمایت بیشتر از پیشرفت در دستیابی به برنامه های پایدار شهری است. (Dempsey et al, 2018) به بررسی عوامل موفقیت مشارکت عمومی - خصوصی پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که انجام تعهدات دولت و چشم انداز مشترک بین مشتری، کارفرما و طرف قرار داد به عنوان عوامل موفقیت در پروژه ها می‌باشد. یافته‌های پژوهش (Tweed & Sutherland, 2007) که به بررسی موانع اصلی اجرای موفق مشارکت عمومی - خصوصی در پکن و هنگ کنگ پرداخته شده است، نشان داد که سه مانع تاخیر زیاد در روند مذاکرات، نبود تجربه و مهارت کافی و تاخیرات زیاد به دلیل مناقشات و مباحث سیاسی به ترتیب به عنوان موانع اصلی توسعه مشارکت در پکن بوده است. عوامل مؤثر بر مشارکت مالی براساس مدل (Tsilas

عامل خط مشی بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پایدار شهر یاسوج تأثیر دارد.  
 عامل سازماندهی بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پایدار شهر یاسوج تأثیر دارد.  
 عامل انگیزه بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پایدار شهر یاسوج تأثیر دارد.  
 عامل اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پایدار شهر یاسوج تأثیر دارد.

(Tsilas & Brashares, 2018) شامل ۷ عامل نگرشی، هدف، پیش-نگری، خط مشی، سازماندهی، انگیزه و عامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی می‌باشد، که در این مقاله تأثیر هر یک از ابعاد در مشارکت مالی بخش خصوصی در قالب مدل مفهومی مطابق شکل ۱ و فرضیه های زیر ارائه شده است: عامل نگرشی بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پایدار شهر یاسوج تأثیر دارد.  
 عامل هدف بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پایدار شهر یاسوج تأثیر دارد.  
 عامل پیش نگرشی بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پایدار شهر یاسوج تأثیر دارد.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش برگرفته از (Tsilas & Brashares, 2018)

### مواد و روش تحقیق:

متخصصان و به صورت محتوایی و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۶، محاسبه گردید، که از پایایی لازم برخوردار می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی با محاسبه شاخص‌های مرکزی مانند میانگین و انحراف معیار و برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. همچنین برای بررسی فرضیه‌های

این پژوهش براساس هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر روش انجام تحقیق، توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران برابر ۱۰۹ تعیین گردید و روش نمونه‌گیری غیر تصادفی در دسترس بوده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد عزیزی و همکاران (۲۰۱۶) بوده که دارای ۷ مولفه و ۴۰ گویه می‌باشد و از طیف ۵ گزینه ای لیکرت برای اندازه‌گیری استفاده شده است. روایی پرسش‌نامه با نظر



پژوهش از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای و برای رتبه‌بندی عوامل تأثیر- گذار بر مشارکت مالی بخش خصوصی از آزمون فریدمن استفاده شده است.

جدول ۱- گویه‌های پرسشنامه و ضریب آلفای کرونباخ

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
نگرش	۱ تا ۶	.۸۳
هدف	۷ تا ۱۰	.۷۴
پیش‌نگری	۱۱ تا ۱۵	.۷۳
خط مشی	۱۶ تا ۲۱	.۷۹
سازماندهی	۲۲ تا ۲۵	.۸۱
ایجاد انگیزه (مشوق‌ها)	۲۶ تا ۲۹	.۷۹
اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی	۳۰ تا ۴۰	.۷۷
جمع	۴۰	.۷۶

### بحث و ارائه یافته‌ها:

برای آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف استفاده گردید. خروجی آزمون کلموگروف - اسمیرنوف به شرح جدول شماره ۲ می‌باشد.

جدول ۲- نتایج بررسی نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف

نگرش	هدف	پیش‌نگری	خط مشی	سازماندهی	ایجاد انگیزه	اقتصادی	تعداد
۱۰۹	۱۰۹	۱۰۹	۱۰۹	۱۰۹	۱۰۹	۱۰۹	۱۰۹
۲/۹۷۹۸	۳/۱۹۵۰	۲/۹۳۳۱	۲/۸۳۷۶	۳/۰۶۴۲	۲/۶۲۳۹	۲/۷۳۷۰	میانگین نرمال
۰/۷۲۸۴۴	۰/۸۴۱۲۶	۰/۸۱۷۵۰	۰/۸۸۱۹۹	۰/۸۹۷۱۴	۰/۹۳۱۳۲	۰/۸۶۲۵۴	انحراف معیار
۰/۰۸۲	۰/۱۱۹	۰/۰۷۴	۰/۱۰۰	۰/۰۹۹	۰/۰۸۵	۰/۰۶۷	بیشترین حد مطلق
۰/۰۸۲	۰/۰۸۳	۰/۰۶۲	۰/۱۰۰	۰/۰۶۶	۰/۰۸۵	۰/۰۵۱	اختلاف مثبت
-/۰۷۲	-/۰۱۱۹	-/۰۷۴	-/۰۵۶	-/۰۹۹	-/۰۵۱	-/۰۶۷	اختلاف منفی
۰/۸۵۲	۱/۲۳۸	۰/۷۷۷	۱/۰۴۵	۱/۰۳۶	۰/۸۸۸	۰/۶۹۹	آزمون کلموگروف - اسمیرنوف
۰/۴۶۲	۰/۰۹۳	۰/۵۸۳	۰/۲۲۵	۰/۲۳۳	۰/۴۱۰	۰/۷۱۳	رابطه معنی‌داری Sig

همان‌طور که ملاحظه می‌شود چون مقدار سطح معناداری در همه مؤلفه‌ها بیشتر از ۰/۰۵ بوده، لذا فرض برقراری توزیع نرمال برای تمامی متغیرهای پژوهش پذیرفته است. پس با اطمینان ۹۵٪ می‌توان نرمال بودن توزیع مشاهدات برای متغیرهای پژوهش را پذیرفت. با توجه به نرمال بودن متغیرهای پژوهش می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای بررسی فرضیه‌ها استفاده نمود. جهت رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت بخش خصوصی در توسعه

پروژه‌های شهری یاسوج آزمون فریدمن انجام گرفت. این آزمون هنگامی به کار می‌رود که داده‌های آماری حداقل ترتیبی باشند و مرتب‌سازی آن‌ها در رده‌بندی دو طرفه با مفهوم ترتیبی امکان‌پذیر باشد. به کمک آزمون فریدمن می‌توان مؤلفه‌های آن‌ها را به لحاظ درجه اثرگذاری رتبه بندی نمود. نتایج آزمون فریدمن در جدول ۳ و ۴ آمده است.

جدول ۳- رتبه بندی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پروژه‌های شهری یاسوج

میانگین رتبه	مؤلفه‌ها
۴/۶۸	نگرش
۵/۷۲	هدف
۴/۶۷	پیش‌نگری
۴/۳۹	خط مشی
۵/۵۶	سازماندهی
۳/۳۵	ایجاد انگیزه (مشوق‌ها)
۳/۸۹	اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی

جدول ۴- نتایج آزمون فریدمن

نمونه	۱۰۹
کای دو محاسبه شده	۹۲/۱۲۶
درجه آزادی	۷
سطح معناداری	۰/۰۰۱

مشارکت بخش خصوصی در توسعه پروژه‌های شهری یاسوج به یک اندازه نمی‌باشد. در این زمینه ارتباط معنی‌دار بودن هدف در رتبه اول و سازماندهی، نگرش، پیش‌نگری، خط مشی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی و ایجاد انگیزه به ترتیب در رتبه‌های بعدی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مشارکت بخش خصوصی در توسعه پروژه های شهری یاسوج قرار دارند.

همان‌طور که داده‌های جداول شماره ۳ و ۴ نشان می‌دهد، با توجه به این که سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۱ بوده و این مقدار از میزان خطای ۰/۰۵ کمتر است، لذا فرض صفر رد می‌شود. لذا می‌توان گفت که رتبه میانگین هیچ کدام از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مشارکت بخش خصوصی در توسعه پروژه‌های شهری یاسوج برابر نمی‌باشد. به عبارتی دیگر تأثیر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر

جدول ۵- نتیجه حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای جهت بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مالی

عوامل	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	حداقل	حداکثر
نگرش	۴۲/۷۰۸	۱۰۸	۰/۰۰۱	۲/۹۷۹۸۲	۲/۸۴۱۵	۳/۱۱۸۱
هدف	۳۹/۶۵۰	۱۰۸	۰/۰۰۱	۳/۱۹۴۹۵	۳/۰۳۵۲	۳/۳۵۴۷
پیش‌نگری	۳۷/۴۴۶	۱۰۸	۰/۰۰۱	۲/۹۳۲۱۱	۲/۷۷۶۹	۳/۰۸۷۳
خط مشی	۳۳/۳۲۵	۱۰۸	۰/۰۰۱	۲/۸۳۷۶۱	۲/۶۶۸۸	۳/۰۰۶۴
سازماندهی	۳۵/۶۵۹	۱۰۸	۰/۰۰۱	۳/۰۶۴۲۲	۲/۸۹۳۹	۳/۲۳۴۵
انگیزه	۲۹/۴۱۴	۱۰۸	۰/۰۰۱	۲/۶۲۳۸۵	۲/۴۴۷۰	۲/۸۰۰۷
اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی	۳۳/۱۲۹	۱۰۸	۰/۰۰۱	۲/۷۳۷۰۰	۲/۵۷۳۲	۲/۹۰۰۸

بر اساس جدول شماره ۵ در تمامی فرضیه‌ها، مقدار  $t$  به دست آمده از بررسی آزمون بیش از ۱/۹۶ بوده و سطح معناداری ۰/۰۰۱ می‌باشد. از آنجا که این مقدار از مقدار خطای در نظر گرفته شده

۰/۰۵ کمتر می‌باشد، لذا فرض صفر رد و ۷ فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

از نظر صاحب‌نظران حوزه فضاهای شهری افزایش تمرکز زدایی و خصوصی‌سازی به منزله یک راهبرد کارآمد برای تضمین کیفیت و انعطاف پذیری نظام‌های توسعه مکانی در یک اقتصاد جهانی محسوب می‌گردد. در هر جامعه‌ای اجرای موفقیت آمیز هر یک از اشکال مشارکت دولتی - خصوصی نیازمند وجود پیش شرط‌هایی است که فقدان آن‌ها ممکن است به اجرای شکل محدودتری از مشارکت دولتی - خصوصی یا صرفاً نمایشی از مشارکت منجر شود که نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد (Razin, 2016, 83-90).

نتایج فرضیه اول نشان داد که عامل نگرشی بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پروژه‌های شهری شهرداری یاسوج در حد بالایی تأثیر گذار خواهد بود. بنابراین با تغییر عوامل فرهنگی و سیاست‌های دولتی در قبال بخش خصوصی نسبت به بهبود نگرش و دیدگاه‌های حاکم بر اجتماع مبنی بر مشارکت مالی بخش خصوصی و دولتی در توسعه پروژه‌های شهری کمک کرد، هم‌چنین می‌توان محیط‌هایی با ساختارهای لازم در زمینه‌های مورد نظر را ترویج نمود که بتوانند به رفاه اقتصادی و سلامت اجتماعی بیانجامد. نتایج فرضیه دوم نشان داد که عامل هدف بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پروژه‌های شهری شهرداری یاسوج در حد بالایی تأثیر گذار خواهد بود. بنابراین با تضمین اهداف مالی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی می‌توان نسبت به تأمین بودجه لازم پروژه‌های شهری از طریق مشارکت مالی بخش خصوصی، توسعه پروژه‌های شهری را رقم زد. نتایج فرضیه سوم نشان داد که پیش‌نگری همانند دو عامل فوق بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پروژه‌های شهری شهرداری یاسوج در حد بالایی تأثیر گذار خواهد بود. بنابراین از این رو ضعف پیش‌نگری در سازمان‌ها و نهادهای دولتی و همچنین در سطح سیاسی به ویژه فقدان توانایی در ایجاد و پیاده‌سازی مشارکت به شیوه‌ای تاریخی یک محدودیت است. برای افزایش موفقیت برنامه مشارکت مالی، وجود یک استراتژی کلی (Tsilas & Brashares, 2018)، توان پاسخ‌گویی به نیازهای گوناگون (Maher et al, 2016) و انعطاف پذیری نسبت

به نیازهای متغیر محیط اقتصادی و شرکا (Tweed & Sutherland, 2007) ضروری هستند. نتایج فرضیه چهارم نشان داد که عامل خط مشی بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پروژه‌های شهری شهرداری یاسوج مانند عوامل دیگر فوق در حد بالایی تأثیر گذار خواهد بود. بر این اساس فقدان یک مکانیزم مناسب و کارآمد ارزشیابی و نظارت بر فرآیندهای مورد نظر برای افراد و گروه‌های ذی نفع از جمله موانع بازدارنده مشارکت در امر توسعه شهری است. به اعتقاد (Maher et al, 2016) دولت‌های مرکزی و محلی توان لازم برای ارتقاء، تنظیم و نظارت بر توسعه برابر و یکسان بخش خصوصی جهت پروژه‌های شهری را ندارند. فقدان چهار چوب قانونی - نظارتی منسجم و قابل اجرا برای ارائه نقشه راه بخش خصوصی سبب رشد عرضه کنندگان غیر قانونی خدمات شهری می‌گردد. در واقع موفقیت مشارکت‌های خصوصی اغلب منوط به کارآیی قوانین و مقررات و میزان اختیار قانونی است (Dempsey et al, 2018). نتایج فرضیه پنجم نشان داد که عامل سازماندهی بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پروژه‌های شهری در حد بالایی تأثیر گذار خواهد بود. بنابراین وجود محیطی قانونی که پشتیبان مشارکت و حضور بخش خصوصی در خدمات عمومی باشد بسیار ضروری است. محیط‌های توانا ساز قانونی، سیاسی و نظارتی برای استمرار مشارکت دولتی و خصوصی در امور حیاتی هستند. از این رو ابهام و عدم شفافیت در محیط قانونی و نظارتی موجب می‌شود که سرمایه‌گذاران و مشارکت‌کنندگان مردد و یا سردرگم شوند. به علاوه لازم است میان میزان خدمات تقاضا شده و هزینه‌های این خدمات توازن و تعادل برقرار باشد و زمینه انگیزشی لازم را برای بهبود کارایی در سیستم ایجاد کنند. یک مشارکت موفقیت آمیز باید دقیقاً متناسب با بافت و محیط توانا سازی طراحی شود که در آن مشارکت به اجرا در می‌آید. جایی که محیط و فضای کار طوری اصلاح می‌شود که به تحقق اهداف مشارکت منجر شود، مشارکت از بیشترین توفیق برخوردار خواهد بود. نتایج فرضیه ششم نشان داد رغبت و انگیزه از جمله عواملی است که بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پروژه‌های شهری شهرداری یاسوج در حد بالایی تأثیر گذار خواهد بود. پس می‌توان دریافت که با تضمین اهداف مالی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی نسبت به تأمین بودجه لازم

کوچک تر زندگی می‌کنند، عملاً از بستری مناسب و یکسان نسبت به طبقه متوسط به بالا، بهره‌ای ندارند. با توجه به این که تمامی مطالعات انجام شده با نتایج این پژوهش همسو و در یک راستا می‌باشد، لذا پیشنهادهایی جهت بهبود مشارکت مالی بخش خصوصی در راستای توسعه پایدار شهری ارائه می‌گردد:

- دولت نگاه ایدئولوژیک خود را به توسعه فضاهای اجتماعی مانند شهرها بکاهد، و به بخش خصوص اعتماد نموده و اراده لازم برای سپردن بخشی از مسئولیت های تأمین مالی و مدیریت را برای بهبود کارایی و اثربخشی نظام آموزشی از خود نشان دهد.

- دولت فضای اطمینان قانونی لازم برای حضور بخش خصوصی در زمینه فراهم سازی، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در زمینه زیر ساخت‌های شهری مانند امکانات رفاهی را به وجود آورد.

- دولت بر پایه ارزشیابی‌های مستمر از ساختارهای مزبور و نظارت بر حسن اجرا و رعایت استانداردها، بانکی جامع از اطلاعات مربوط به کیفیت هر کدام را فراهم آورد تا سرمایه‌گذاران بتوانند از آزادی انتخابی که دولت برایشان قائل شده است به نحو مطلوب استفاده نمایند.

- دولت برنامه ای مدون برای حرکت به سمت عدم تمرکز با در نظر گرفتن همه جوانب و نگرانی‌هایی که خود دارد و با توجه به مزایای مترتب بر آن تدوین نماید.

پروژه‌های شهری از طریق مشارکت مالی بخش خصوصی، توسعه پروژه‌های شهری را رقم زد. بررسی نتایج فرضیه هفتم نشان داد که عامل اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی مانند سایر عوامل بررسی شده بر مشارکت مالی بخش خصوصی در توسعه پروژه-های شهری شهرداری یاسوج مانند عامل نگرشی در حد بالایی تأثیرگذار خواهد بود. در پژوهش حاضر هرچند شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از سوی پاسخ دهندگان به عنوان یک مانع تأیید گردید، اما صاحب‌نظران اقتصاد شهری از این موارد چنین تلقی نداشته‌اند. به هر حال هر دو گروه تأیید می‌کنند که در این زمینه کاستی‌هایی وجود دارد که ممکن است مسیر دیگر اشکال مشارکت را ناهموار سازد. ماهیت مکانیسم زیرساخت‌های شهری (امکانات رفاهی) به گونه‌ای است که همه اقشار اقتصادی- اجتماعی جامعه از آن تعریف یکسانی نداشته و به عبارتی ساده تر اقشار اقتصادی- اجتماعی پایین دست جامعه توان مالی برای استفاده همانند طبقه مرفه را ندارد یا امکانات رفاهی موجود در شهرهای بزرگ و کوچک کاملاً متفاوت است. از آنجایی که تأمین مالی ساختارها و امکانات رفاهی مکانی وابسته به توان اقتصادی شهرداری‌ها می‌باشد و دولت از تأمین هزینه‌های لازم سر باز زده است، اقشار پایین دست جامعه، که بیشتر در محیط های کمتر توسعه یافته شهری یا حاشیه شهرها و شهرهای

## References:

1. Asadi, A., Rahimi, A., Janbazi, G., Komili, M. (2019). Investigating the harms of urban management and its role in the urban development planning system, *Quarterly Journal of Urban Research and Planning*, Volume 11, Number 40, Spring 1399, 47-58
2. Bour, n. (2011). *Identifying the financial resources of municipalities and the feasibility of providing sustainable urban revenues (case study of Nowshahr)*. Master Thesis in Urban, Planning, Tehran Azad University.
3. Butler, A. W., Fauver, L., & Mortal, S. (2009). Corruption, political connections, and municipal finance, *Review of Financial Studies*, hhp010.
4. Dempsey, N., Brown, C., & Bramley, G. (2018). The key to sustainable urban development in UK cities? The influence of density on social sustainability. *Progress in Planning*, 77(3), 89-141.
5. Donevska, N. (2015). Trade-offs in sustainable urban development: the case of Skopje. *Journal of Environmental Studies and Sciences*, 1-8.
6. Ghorbani, Rasoul and Azimi, Mitra. (2015). Modeling and ranking criteria in optimal financing for the public sector using the MCDM method (Mashhad metropolis). *Economic Modeling Quarterly*, Year 9, Issue 1, Spring 2015, pp. 124-107
7. Hadi Zanouz, Behrooz. (2009). Municipal Financing, *Theoretical Foundations of Municipal Revenue System*, Journal of Urban Economy, Summer 2009, No. 2, pp. 4-27

8. Maher, C. S., Deller, S. C., Stallmann, J. I., & Park, S. (2016). *The Impact of Tax and Expenditure Limits on Municipal Credit Ratings*. *The American Review of Public Administration*, 46(5), 592-613.
9. Modarreszadeh Bozorgi, Saeed and Nasiri Majd, Saeed. (2014). *Strategies for achieving sustainable financial resources in municipalities, studied: Nazarabad Municipality, Karaj, the first national conference in search of the city of tomorrow and the study of concepts and examples in the Islamic-Iranian city, Tehran, Diba Ofogh ARiya Company*.
10. Moezzi Moghadam, Hossein. (2004). *Methods of providing municipal revenue sources, Municipalities Conference and Urban Economy, Tarbiat Modares University*
11. Namvar Haghighi Shirazifard, F., Hajipour, K., Shabani, A., Mohammadi, M (2019). *Comparative study of urban growth management models in Shiraz metropolis, Journal of Urban Research and Urban Planning, Volume 10, Number 39, Winter 1398*.
12. Pourjafar, Mohammad Reza Khodaei, Zahra, Pourkhairi, Ali. (2011). *Analytical approach in recognizing the components, indicators and manifestations of sustainable urban development, Iranian Journal of Social Development Studies, Year 3, Issue 3, Summer 2011*.
13. Rabinovitch, J. (2019). *Curitiba: towards sustainable urban development. Environment and Urbanization*, 4(2), 62-73.
14. Rahimi, Hussein (2006). *Development of Sustainable Urban Development Program in Shousha, Master Thesis in Urban Planning, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Art and Architecture, Department of Urban Planning*.
15. Razin, E. (2016). *Inter-Municipal Cooperation in the Development of Industrial Parks and Tax Redistribution: The Road to Hell is Paved with Good Intentions. Quaestiones Geographicae*, 35(2), 83-90.
16. Sadeghi, Seyed Kamal, Mohammadzadeh, Parviz. (2015). *Factors Affecting Private Sector Participation as an Approach to Providing Sustainable Financial Resources for Municipal Projects, Quarterly Journal of Economics and Urban Management, Volume 3, Issue 11*.
17. Sepahvand, Reza and Arefnejad, Mohsen. (2013). *Prioritization of Sustainable Urban Development Indicators with the Hierarchical Analysis Approach (Case Study of Isfahan), Quarterly Journal of Urban Planning Studies, First Year, First Issue, Spring 2013, pp. 43-59*.
18. Sharzei, Gholam Ali and Majed, Vahid. (2011). *Sustainable city financing, how to finance sustainable urban development. Bi-Quarterly Journal of Urban Management, Volume 9, Spring and Summer 2011, pp. 299-315*.
19. Sharifzadeh, Abolghasem, Abdullahzadeh, Gholam Hossein, Sharifi, Mahnoosh, Mahmoudi, Abdolreza. (2014). *Transition to Post-Sustainability: A Critical Approach to Sustainable Development as an Ideology, Third Conference of the Iranian Islamic Model of Progress, May and June 2014*.
20. Tsilas, V., & Brashares, E. (2018). *P3 Projects and Tax-Exempt Bond Financing: How Does the Puzzle Work? Municipal Finance Journal*, 37(1).
21. Tweed, C., & Sutherland, M. (2007). *Built cultural heritage and sustainable urban development. Landscape and urban planning*, 83(1), 62-69.
22. Yigitcanlar, T., & Teriman, S. (2019). *Rethinking sustainable urban development: towards an integrated planning and development process. International Journal of Environmental Science and Technology*, 12(1), 341-352.
23. Zare, Maryam and Shabandoost, Narjes. (2015). *Study of Rasht as an Islamic city based on indicators of sustainable urban development, National Conference of Iranian Islamic Architecture and Urban Planning, Rasht, Payame Noor University of Gilan*.
24. Zare, Ameneh; Homayounifar, Massoud and Razmi, Seyed Mohammad Javad. (2015). *Evaluation of cities in Khorasan Razavi province based on sustainable development indicators. Journal of Regional Economics and*



*Development, Volume 22, Number 10, Fall-Winter 2015, pp. 75-68.*

25. Zanganeh Shahraki, Saeed, Hosseini, Seyed Ali .(2013). *Economic management of the city*

*with emphasis on local tax and the variables affecting it (Case study of Tehran), Quarterly Journal of Economics and Urban Management, No. 2, Spring 2013.*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی